

# پیام آسمانی

از انتشارات

پیام جهانی

نشریه ماهانه محفل روحانی علی فرات  
برای بهائیان ایرانی

شماره اول ۱۴۵ بدیع

نوامبر ۱۹۸۸

نشر دوم

## نذره ای از نصوص مبارکه درباره شهادت در سبیل محبوب

جمال قدم جل سلطانہ میفرماید : « اینکہ مرقوم دہشتہ بودید کہ در محبت انہ اتفاق جان محبوب برست  
یا ذکر حق بکلمت و بیان ، عمراتہ ان الثانی نخیر چه کہ بعد از شہادت جناب بدع علیہ من کل بہا ، ابجاء  
کل را بکلمت امر فرمودند باید امثال آنجناب کمال حکمت بہ تبلیغ امر مشغول باشند کہ شاید گمراہان سبیل  
حقیقی الہی را بیابند و مقام قدس قرب کہ مرجع من فی السموات و الارض است فائز گردند شہادت  
در سبیل محبوب از افضل الاعمال مسوب فی الحقیقہ شبہ و ندی نداشته و نخواہد داشت و لکن اگر خود واقع  
شود محبوب است جمیع امور معلق بہ قبول حق است و حق کل را بہ حکمت امر فرمودہ اگر نفسی بہ آن  
ناظر و عامل گردد و از او فساد و اعمال شنیعہ کہ سبب تفسیح امراتہ است ظاہر نشود و بعد بہ حدود شہادت  
شریعت شہادت بیاشاید این مقام اعلیٰ المقام بودہ است و فی حقیقہ این مقام سلطان مقامات  
لا یقدر بسیان ان یصفہ و لا یقلم ان یتبہ . . .

ایضا بحر معانی از مطلع فہم شیت رحمانی بصورت این کلمات تجلی شدہ :

گلوای دوستان اضطراب از برای صیت و خوف از برای چه شکنی نموده نیست کہ بر زردی  
راموت ادرک نماید و اخذ کنند در این صورت اگر این موت بہ شہادت تبدیل شود و در سبیل الہی واقع گردد  
البتہ محسوستر است و بر ذی درایت و فکری شہادت میدہد بر اینکه این مقام اعلیٰ المقامات بودہ و  
خواہد بود و جمیع عباد بکلمت مانورند و از فساد و نزاع و جدال ممنوع و لکن اگر امری واقع شود در آن صحن  
باید کمال رضا بہ مشہدند ادر سبیل دوست یکتا توجہ نمایند قسم بہ آفتاب افق تعالیٰ اگر نفسی از کائنات  
عرفان زلال محبت رحمن بیاشاید ابدًا از ظلم ظالمان و سطوت طاغیان محزون نشود تا چہ رسد بہ خوف و ہجر  
ایضا فرمودہ اند : قسم بہ آفتاب ملکوت صدق کہ کس نفسی از دوستان الہی کہ در آن واقعہ شریعت  
شہادت آسائید بر فوق اعلیٰ صعود نمود و در ظل قباب رحمت الہی ساکن و متیرج گشت اگر آن مقامات

بعد نتم ابره تعلق نماید کل بندای بیستنی گنت معه ناطق میگرد و بر نفسی از دوستان که خسارت ظاهر  
 بر او واقع شده آن روح کامل بوده و دست و اهل بها در روح عظیم بوده و دستند اگر در یومی از آیام  
 و وقتی از اوقات نظر مقصیات حکمت الهیه خسارتی واقع شود نباید از او محزون بود البته حق او را  
 به طرز روح عظیم فرزند فرمایید .

حضرت عبدالباقا جل شانہ منسودده اند :

« حضرت بهاء الله روحی لا اجناء العدا بر سر اجنا تاج عرت ابدی بخسازند که دراری در نیه اش  
 از اوق ابدی رسترون انحصاری نماید امر بدرجه ای عظیم است که در سبب حق حتی ذلت سبب عزت است  
 ... اگر جمیع عالم شفق شوند و بخوانند که نفسی از اجنا الله را ذلیل نمایند نتوانند زیرا نهایت ذلت سبب ظاه  
 شهادت است و این شهادت سبب عزت ابدی پس ثابت شد که حضرت احدیت از برای اجنا ذلت  
 خلق نموده چیزی را که حق حسیق نموده که میتواند آنرا وجود دهد . . .  
 در مورد شهادت کی از یاران جانفشان منسودده اند :

« این شهادت کبری سبب نصرت عظمی است آن خون زکین عاقبت آن بدینه را بهشت برین نماید  
 اجنا بر آنند که قوت خون بسیار است در پای هر شجره ریخته گردد آن درخت تناور شود و شکوفه و ثمر  
 بی حد و حصر دهد این تاثیر خون مجامم است دیگر معلوم است که چنین خون مبارک انسانی در پای شجره  
 مبارک چه قدر سبب قوت و نمو و شکوفه و ثمر گردد ... »

و نیز از قلم حیات بخش مکرر عهده ای صادر : ملاحظه فرمایید که حضرت سید الشهدا و سنده الاتقیاء روحی لعل  
 چگونه برقرار کرده و در جمیع من فی الوجود را و غط و نصیبت فرمود که صفت عاشقان جمال ذوالجمال چنین است و دست  
 مشتاقان رب جمال چنان تا جان ندی به جانان نرسی تا منتقطع نگردی متسع نشوی تا نسوزی نمیسوزی  
 تا مگر بی نخندی پس از خدا بخواه که جام بسوزی از این باده فرخ آئینز بکام این ناکام ریزد ...

## اسرار شهادت

حضرت بهاء الله فرموده اند : آنچه در ایام ظهور ظاهر شود اگر بر حسب ظاهر وقت است صد هزار عزت در آن دستور و اگر نفقت است صد هزار رحمت در آن کمون اگر نفس غافل بر اسرار شهادت آگاه میشد بر کز مرتکب این امور نمیشد و لکن به ضرب علی فهم و بصیرت عقولم و ادراکاتم چه که بر روح عظیم راز خسارت شمرند و به دست خود نصرت کردند و شاعر فریستند آنه نصیر امره مرقه به اعدائه و احسب فی ما ولیا ایضا فرموده اند : غافلان بجان باطل قتل و صلب راعلت انحاء و مار کلمه الهیت تصور نموده اند و شهادت را نهایت اذیت پنداشته اند غافل از آنکه سبب ارتفاع و اعلامی امر الهی است و علت وصول شهیدان به مقامات قرب نامتناهی .

حضرت عبدالبهاء فرموده اند : این بلیا و محن رزایامی است تا به بی در پی هر چند قاصم ظم است و قاطع آزر و آفت صبر است ولی از اعظم مواهب حقی قدیر است که نفسی را در سبیل خویش به قربانی قبول نماید تا باج شهادت کبری بر سر نهند و بر سر سلطنت ابدی استقرار یابند همیشه صفت مقربین این بود و سمت مخلصین این .

ایضا فرموده اند : شهیدان راه بهاء اعظم مقربین در گاه کبریا و نجوم ساطعه اعلی افق ایمانند هر چند جهان خاک سر باختند ولی در عالم پاک کردن افراختند خون مظهر برتر ابغیر بختند ولی به ذیل کبریا در ملکوت ابنی آویختند جام شهادت را در بزم لقا با شده و شکر آمیختند .  
و نیز : جانها همه در خطر است و حیات دنیا در گذر فرق است میان نفسی که در باین غفلت و قیامت یا آنکه در میدان شهادت جام موهبت کبری نباشد این خون عاقبت جمودت یا به حیات به هدر رود ولی چون در سبیل جانان مسفوح و مسفوک شود سائل گردد و جاری شود و این سیدان جریان الی الابد در قلوب باقی ماند .

همچنین : اگر به ظاهر به ذلت کبرنی شهید شدند ولی بحقیقت بر سر عزت سرمدی جالس عنقریب  
 مشاهده خواهد شد که ملوک به آن تراب تبرک خواهند جست و جمیع اخناق خاضع خواهد گشت ... چون  
 در عالم شهود چنین گردد ملاحظه نمائید که در عوالم الهیه که مقدس از ادراک اهل امکان است چه خواهد بود .  
 و نیز : اجبای الهی را به موبت شهادت بشارت دهید که شهیدان سرور عاشقانند و سالار  
 مستاقان ، هر یک در ملکوت ابهی بر سر سلطنت ابدیه جالس به یالیت قومی معلوم ناطق اگر خلق بند  
 که چه مقامی از برای آن جانهای پاک مقرر البتہ دمی نیاسایند و خود را به آرایش دنیای فانی نیالایند  
 مومی مشکبوی خویش را به خون پاک بیالایند ولی چه فایده که آن مرده در دل جا جلوه نمود .  
 ایضا : عنقریب از سقایه به خون مزرعه امراته چنان گل ریاحین برویاند که شروق و غرب معطر گردد و جنوب  
 و شمال مغرب شود .

همچنین : عنقریب باطن این حیات فانی منطوی گردد و ظالمان بیش از مظلومان سرگشته و پریشان  
 اهل تصور اسیر قبور شوند و صدر نشینان عزت به خاک ندلت افتند ولی شمع شهیدان روشن گردد و عزت  
 یاران در افق ابدی مانند نجم ساطع درخشند و تابان شود .  
 ایضا فرموده اند : بلایای سبیل الهی را بر نادانی شایان نه و مصائب را عشق را بر ناسپاسی لایق  
 شمع را فروختن باید و پروانه عشق را سوختن . هر پرنده سزاوار این جانفشانی نه و هر جنبنده لیاقت این  
 قربانی نیست ، اگر چه امتحان این آیام بجد و پایانست ولی فضل و الطاف یزدان نیز بحیات بکران ...  
 این بلایا تخم افشانی است عنقریب ملاحظه خواهید نمود که برکت خرم گشته و فیض ماتناهی مبدول گشته .

معانی لغات مشکک : صلب - به در آویختن ، انقاد - افسرده شدن ، مستور - پنهان ، نعت - نذاب ، مره - یک دفعه  
 زرایا - سختی ؛ ، قنابجه - پیچی ، قاصم نظر - شکننده پشت ، قاطع آزر - قطع کننده کمر ، مسفوح - ریخته و پخش شده  
 مسفوک - ریخته شده ، سائل - جاری ، سریر - تخت ، اخناق - گردنها ، سقایه - آبیاری ، منطوی - پیچیده ، ذلت - خوار

اثر اهراق دما و مظهر شهیدان ایران .

## نقل از توفیق مسیح حضرت ولی عزیر امرآه

اهراق دما و مظهر شهیدان ایران است که قلب مملو و عینا حضرت ملکه را متوجه به این نهال نورسته الهی نموده و به این خطابه‌های موجه است تا به عالمی را بیدار و پرستش ساخته .

اهراق دما و مظهر شهیدان ایران است که فارسان منصار الهی را در قطب امریکای برف و اتمام بنیان رفیع الشان اولین مشرق الاذکار اقطار غربت موفوق و مفتخر فرموده و حتم غفیری را از اجناس و مذاهب و فرق و طبقات تباینه شیفته و آشفته آن رزمین و کهنه امین و بهیکل نازنین حضرت رب العالمین نموده .

اهراق دما و مظهر شهیدان ایران است که علمداران حزب مظلوم را در مغرب اقصی بمؤسسات محله و تأسیس اوقاف امریه و تحصیل اعتبارنامه رسمی از مصادر و مقامات عالیه و اجرای نوامیس و شعائر الهیه و وضع دستور محافل ملیه روحانیه هدایت و موفوق فرموده .

اهراق دما و مظهر شهیدان ایران است که ولوله بیت اعظم را در دوایر عصبیه اُمم انداخته و افکار و قلوب زبردستان را بحقوق مسلوبه و مبادی سلمیه حزب مظلوم متوجه ساخته و اعضای آن انجمن محترم را بر آن واداشته که از دو حکومت قوی شوکت احقاق حقوق مظلومین را از خاصین مطالبه نمایند صدق الله ربنا البهی لا سوف یظفر الله قوماً ینذرون ایامنا و کلماتنا و یطلبون حقنا عن الذینهم ظلمونا بغير حرم و لا ذنب مبین .

اهراق دما و مظهر شهیدان ایران است که متمسکاً بعبودة الوثاقی ایمان را در تسلیم آلمان به ثبوت و رسوخی مبعوث فرموده که با وجود هُبوب صرصرا امتحان و ریح عقیم هذیانات دشمنان که بجز در امریک باین شد بر افاق غربیه نوزیده این اطواد با ذخه مقاومت هراقتمانی نمودند و از صراط دقیق مفرغند بلکه بر اشتعال و شهابت و تعاون و استقامت افزودند و در اتساع نطق امرآه و دائره نشریات امریه و استحکام مؤسسات امریه در اقلیم خویش بیش از پیش مهت بگماشتند .

اهراق دما و مظهر شهیدان ایران است که بدست باسلان میدان عبودیت در دیار مصره علم استغلا

شرح بحار ابرار علی قتل آن قلم برافراشته و بسطوت و تجردی و بسالت و شہامتی در انجمن بنی آدم مبعوث فرموده که شبہ آنرا تواریخ ادوار سابقہ ثبت و تدوین نموده .

ابراق دماہ مطہترہ شہیدان ایران است کہ رسولان الهی را در مغرب زمین بفتح اقالیم جدیدہ سوق و دلالت فرمودہ مبارزان میدان انقطاع بہ سرداری سرخیل عاشقان امۃ العزیدہ سرور مومنین و مؤمنات کتاب رہبہا آتہ و ابحصر الجدید کہ یادگار آن مؤلف شہیر و نفس نفیس است و اخیراً بہ دوازده لغت از لغات شرقیہ و جنبیہ ترجمہ و طبع گردیدہ بدست گرفته نعرہ زمان در دیار اللہ سائرند و برصفوف و الوف غافلان مہاجم چون باد بادیه پماینند و چون اسرافیل حامل نغمہ حیات بہدم بنیان عتیق تعصبات و وطنہ و سیاست و جنیہ و اقتصادیہ آن قارہ پر شور و اضطراب مضخند و بدفع انتقام مژمنہ اسیران و عیدانش مالوت ابراق دماہ مطہترہ شہیدان ایران است کہ یاران عزیز موطن اصلی جمال قدم را از محالب بساع خار نجات دادہ و بر مقاعد عزت نشاندہ و بردشمنان دیرین غالب و مسلط فرمودہ و سایہ ملک عادل را بر آن کشور متعکس کردہ و مفسد قویہ مژمنہ را از بنج و بن برانداختہ و این اصلاحات با مہرہ جدیدہ را از تحریف بعرضہ شہود در آورده و آثار عزت و تابشیر مدنیّت ابدی القرا حضرت بہا آتہ را در کناف و اطراف آن صقع جبل ظاہر و پدیدار فرمودہ .

ابراق دماہ مطہترہ شہیدان ایران است کہ عاقبت الامران تسلیم راجتہ انعم فرماید و بجنبہ موؤ مرکز میثاق بحا حضرت عبدالبہا در دولت و طنی جمال مبارک را در جمیع بسیط زمین محترم ترین حکومت و ایران را معمور ترین بقلع عالم . نماید .

ابراق دماہ مطہترہ شہیدان ایران است کہ در این قرن نورانی و عصر کوہر افشان استر اہبائی روی بین را بہشت برین نماید و سرارودہ وحدت عالم انسانی را کما نزل فی الالواح در قطب آفاق مرفیع سازد و وحدت اصلیہ را جلوه دہد و صلح عظم را تائیس فرماید و عالم ادنی را مرآت حجتہ ابھی گرداند و یوم تبدل الارض غیر الارض را بر عالمیان ثابت و محقق نماید .